

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

سیاسی	Political
-------	-----------

ملالی موسی نظام
ورجنیا، اپریل ۲۰۰۸

چرا کبوتر صلح از فضای افغانستان عبور نمیکند؟

باید گفت که در اکثر نقاط جهان کبوتر سفید را مظهر صلح و پیام آور آن دانسته اند. در این زمینه قسمتی از مضمونی را که از خامه توانای مرحومه میرمن رقیه حبیب - یکی از علم برداران نهضت زن و معارف در افغانستان - در کتاب «قدم های آشتی و مسوولیت ما افغان ها» به نشر «*» رسیده است، نقل مینمائیم:

«کبوتر سفید سمبولی است که با مشاهده آن در قلمرو ذهنی ما از طریق همین سمبول، والا و متعالی جلوه گر میشود، مگر لفظ صلح در قالب کبوتر سفید باقی نمیماند. ازین قالب محتوای پر تقدس ادراکات و احساسات و تخیلات بیرون میشود و درانسوی قالبش که صحنه کشتار و قتل است، محیط بهتر اجتماعی، تاریخی و هم فردی را جانشین میسازد و درعالم عینی عفریت نفرت، کینه، انتقام و نیروی تخریبی اعمال و اساسها به مشعل فروزان آرامش، تعمیر گر، پر سخاوت و بخشایشگر، تغیر ماهیت میدهد. دینا میز می که برپوسیدگی و فرسودگی ذهنیت ها، خواسته های شیطانی، الهامات جهنمی عناصر نابود کننده غالب میشود و درعوض جهان گشائی ها، قدرت طلبی ها، دسیسه پردازی ها، خود فروشی ها و تسلیم به بردگی به قیمت جان همنوع و بعضاً برادر و هم کیش و هموطن، در تلاش تسخیر دلها می افتد و از طریق خلق آسایش و طرد و سوسه های دوزخی و ویران گر بر دلها و بر خرابیها، خلاقیت عینی خود را بمیان می آورد و در پی ریشه دوانی محکم و پایدار به تحرك خود ادامه میدهد. مردم از انهمه ظلمت، نفرت و سیاهی در دسترسی به صلح به تکاپو درمی افتند و تا آنجا به این تکاپو ادامه میدهند تا فرشته صلح خود را عرضه نماید و سلطان دلها شود. اما درین طریق ذهنی، انسان و هشت زده از جنگ، در جهت جستجوی خودش دیگر نجات خود را درتخیل و رویاهای آسمانی نی، بلکه بر روی زمین و دردل حوادث و روی دادها و افکار انسانی قابل لمس در می یابد که سخت نیازمند يك اساس جهان بینی وسیع از اجتماع و تاریخ و سیاست باشد و شم عاطفی شدیدی رهنمای او به منظور منکوب نمودن غریزه ظلم و شقاوت گردد. و اما با بیان و شنیدن کلمه صلح به حکم تداعی معانی و ادراکات، احساس ها و حتی تخیل ما بسوی جنگ کشیده میشود. اینجاست که کبوتر سفید خود را عرضه میکند. اگر این جلوه و این درخشش پر تقدس آسمانی نمی بود، دامنه نائزه جنگها، در درازنای اعصار، در تحت عناوین گونه گونه دیگر بر هستی بشر رنگ فزاینده مطلق میباشید و هستی به نیستی کامل می پیوست...»

باری بتاریخ دهم مارچ سال جاری، در يك کانفرانس مربوط به مسائل امنیتی و مشکلات ناشی از آن که از طرف یکی از مؤسسات امریکائی که برای مسائل مربوط به صلح در جهان فعالیت دارد، اشتراك نموده بودم. آجندای این مجلس بصورت خاص در مورد اوضاع افغانستان، نابسامانی ها و اثرات سوء و خانمان بر اندازی بود که جنگ ها و حملات قوای خارجی مستقیماً بر زندگی مردم افغانستان وارد مینماید.

اعضای کانفرانس را چهار نفر تشکیل میدادند که عبارت بودند از رئیس خود مؤسسه صلح در واشنگتن، نماینده و خبرنگار خاص اخبار نیویارک تیمز، نماینده کمیسیون مستقل حقوق بشر از افغانستان و نماینده کمیسیون نظارت بر حقوق بشر یا Human Rights Watch، مربوط ملل متحد از نیویارک.

بعد از افتتاح مجلس توسط رئیس مؤسسه، که در آن از اوضاع نا بسامان و قابل تشویش محیط زیست مردم افغانستان یاد آور گردید، فعالیت مؤسسه را در مورد افشای حقایق مربوط به ناکامی صلح و طرق مبارزه برای امحای جنگ و مشکلات مردم افغانستان خواستار گردید. وی بعد از معرفی اعضای دیگر کانفرانس، از آنان خواست که نظریات و چشم دید های خویش را برای بینندگان ابراز دارند.

خانم خبرنگار و نماینده اخبار نیویارک تایمز که مدت يك ماه را در قسمت جنوب شرق افغانستان، نزدیک سرحدات پاکستان در يك مرکز قوای عسکری امریکا سپری نموده بود چنین آغاز سخن نمود:

« معضله جنگ در افغانستان و اعاده صلح و امنیت بسیار مغلق و از بعضی جهات نا امید کننده است. در اطراف مرکز عسکری امریکا مربوط ولایت "پکتیا"، حملات طالبان به طرق گوناگون صورت میگیرد، که در آن برای استفاده از حملات شان از قریه ها و بخطر انداختن سکنه آن با بم گذاری در جاده ها و کشتزارها را میتوان نام برد که مبارزه بر علیه آنان را دشوار میسازد. ولی باید گفت که مردم کاملاً از جنگ و دادن تلفات به ستوه آمده اند و حاضر به همکاری برای اعاده صلح و امنیت میباشند. در دور دست ترین مناطق، اهالی خواستار مکتب برای دختر و بچه بوده و از حکومت برای تشکیل و حفاظت مکاتب و مراکز تعلیمی کمک و حمایت تقاضا مینمایند.

در قریه ها و شهرهای نزدیک به مرکز عسکری امریکا در "پکتیا" به خاطر نزدیکی به سرحدات پاکستان، امنیت بسیار کم است، با آنها دیده شده که اهالی گاهگاهی چند نفری از حمله کنندگان طالب را دستگیر نموده و خواستار کمک از مقامات عسکری امریکایی شده اند، ولی نظر به قلت تعداد عساکر امریکا قوای امنیتی در آن حوالی، محاصره و یا مقابله به موقع و مؤثری که بتواند صلح و امنیت را تامین و تضمین نماید، صورت نمیگیرد و متأسفانه به دشمنی اهالی با طالبان و انتقام های مدهش می انجام.»

از خانم خبرنگار سؤال شد که چه تعداد عسکر امریکا در چنان منطقه حساس و خطرناک فعال میباشند؟ جواب داد که صرف ۱۰۰۰ نفر از قوای عسکری امریکا در جایی که خبرنگار برای تهیه راپور رفته بود، مشغول مبارزه و مقابله با طالبان و گروپ های دیگر ضد حکومتی بودند که به خاطر حملات پراکنده اشرار، آنها هم باید به عملیات غیر منسجم، دست میزدند.

متأسفانه کمک مؤثر در امحای حملات القاعده و طالبان در افغانستان را، جنگ عراق که تعداد زیادی از قوای عسکری امریکا در آن درگیر است، از بین برده است که سبب طولانی گردیدن جنگ در افغانستان و تقویه گروپ های مافیایی و آزدگان از حکومت گردیده است.

نتیجتاً صلح و امنیت آن منطقه از خاک افغانستان که بصورت دائمی مورد حملات تهاجمی اشرار و گروپ های گوناگون ضد دولتی قرار دارد، آرزو و رؤیای صلح و امنیت و بازسازی را برای اهالی آن که اکثرآ با امیدواری به مملکت و خاک خود برگشته اند، دشوار و ناممکن میسازد.

از جانب افغانستان در کانفرانس، آقای نادر نادری عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر از کابل اشتراك نموده بود که ضمن بیانات خویش چنین ابراز نمود:

« مشکلات اجتماعی که مانع صلح و امنیت در افغانستان میگردد، البته نظر به منطقه و شرایط جغرافیایی گوناگون میباشد. بیشترین مناطقی که با خطرات گروپ های مختلفه اعم از گروه طالبان، القاعده، گروپ های ناراض از حکومت و مافیای مواد مخدره مواجه میباشند، در جنوب و جنوب شرق و جنوب غرب افغانستان قرار گرفته اند که منافع آنان قسماً مشترک و قسماً باهم فرق دارد. مردم افغانستان که درین مناطق متمکن هستند یا از باشندگان اصلی میباشند و یا بعد از شکست طالبان توسط قوای بین المللی و امریکا، دوباره به وطن مراجعت نموده اند.

در مجموع هیچ کدام از ساکنین قریه جات و مناطق مسکونی این نواحی علاقه مندی به گروپ های نامبرده بالا ندارند و همه آنان آرزوی صلح و بازسازی و اعمار و آبادی سرزمین خویش را دارا هستند، ولی شرایط ناگوار جنگ، قحطی، عدم امنیت و آینده تاریک برای خود و فرزندان آنها، زمینه همکاری های اجباری با گروپ های متذکره و کمک برای امرار معاش، علی الخصوص کار در مزارع کوکنار را به حیث یگانه وسیله معیشت، پیش پای آنان قرار میدهد.

از جانب دیگر دیده میشود که همکاری با حکومت و دولت مرکزی، برای اکثر فامیل های بی بضاعت این مناطق بسیار گران تمام میشود. در یکی از مسافرت هایی که هیئت کمیسیون حقوق بشر اخیراً به هلمند نمود، بیاد دارم که داخل قریه ای شدیم که شب قبل مورد حمله قوای مسلح ناتو قرار گرفته بود. در بین اهالی قریه، تعداد تلف شدگان که در قبرستان نشان داده شد، به ۱۸ نفر میرسید، در حالیکه مقتولین رسماً ۲۳ نفر راپور داده شده بود. زمانیکه جریان را از اهالی قریه پرسیدیم، معلوم گردید که جسد پنج نفر طالبی

را که در جمله کشته شدگان بودند، همکارانشان قبل از ترک قریه ویران به خون کشیده، با خود انتقال داده بودند.

جریان چنین بود که چند نفر از جوانان قریه که آمادگی خویش را برای همکاری با حکومت اعلام نموده و از حکومت در عوض، وسائل امنیتی، مکتب و غیره کمک های بشری دریافت می داشتند، روزی که از کار بر میگردند، عده ای از زنان فامیل را دست بریده می یابند و چون طالبان در همان نواحی نفوذ نموده بودند، حملات هوایی ناتو بر قریه و ساکنین بدبخت آن فرود می آید و نتیجه رقتباری را سبب میگردد. آقای نادری عقیده داشت که به عوض افزودی عساکر، بودجه آنها در اقدام و پلان گذاری منظم و دقیق برای يك صلح دائمی تضمین شده به مصرف رسانید.

آخرین گوینده کانفرانس صلح در واشنگتن، نماینده ملل متحد از کمیسیون نظارت بر حقوق بشری Human Rights Watch بود که معلومات جامعی در مورد نحوه استعمال سلاح و ابزار جنگی برای امحای گروپ های مخالف دولت موجوده افغانستان ارائه نمود. وی گفت که چه از نظر پولی و چه از لحاظ استعمال وسائل جنگی در افغانستان، امریکا و ناتو مصارف بزرگی را متقبل میگردند که اگر نصف آن را در راه پلان های دقیق و سنجیده شده برای صلح و سلم آن سرزمین به مصرف برسانند، نتیجه بهتری میدهد. مثلاً میتوان از پروگرام های زراعتی و قرضه های آن یاد آوری نمود. درین جنگ و گریز به مقابل قوای مذکور، گروههای مشترک المنافع مختلفی از قبیل طالبان شکست خورده، پیروان القاعده منجمله جنگجویان خارجی چین، پاکستانی، عرب و غیره، عمال و محافظین مافیای بین المللی و داخلی و ناراضیان رژیم کابل، عملیات مختلفه و پراکنده را در کوه و دشت و قریه ها براه می اندازند. عکس العمل قوای مسلح در مناطق یاد شده به مقابل گروپ های مذکور، متاسفانه همیشه با ماشین جنگی مدرن با حملات زمینی و هوایی در مناطقی که اکثراً غیر نظامیان حیات بسر میبرند، صورت میگیرد.

راپورهای روزمره که برای کمیسیون نظارت بر حقوق بشر میرسد، مشعر است که اوزان بم هایی که بر مناطق افغانستان فرود می آید، شباهت چشم گیری با آن بم هایی دارد که امریکا در جنگ ویتنام در دهه ۶۰ استعمال مینمود. تعداد کشتار اطفال و سکنه قراء افغانستان با عدم موجودیت مراکز طبی، بسیار رقت بار و غیر بشری است که مؤسسات خیریه بین المللی کوچکترین کمکی برای رفع بدبختی آنها نموده نمیتوانند. وی اضافه نمود که مشکلات افغانستان همچنان از نگاه جنایت کاران جنگی و عمال داد و ستد مواد مخدره، استثنائی و غیر قابل کنترول است. تا زمانی که قدرت اصلی امور را جنایتکاران جنگی شناخته شده در دست دارند و حکومت افغانستان هیچ همکاری در زمینه بازخواست و پیگیری اعمال آنها با مؤسسات بین المللی نمی نماید، نمیتوان هیچ امیدی را برای اعاده و تضمین صلح و امنیت در آن مملکت انتظار برد. بعد از ختم بیانات هیئت کانفرانس صلح، بینندگان که اکثراً خبرنگاران جرائد و مطبوعات و قسمتی هم شاگردان پوهنتون بودند، سؤالات خود را در زمینه موضوع مورد بحث که همانا عدم موجودیت صلح و امنیت در افغانستان باشد، مطرح نمودند.

یکی از سؤالات این بود که چرا قوای ناتو در جنوب و جنوب غرب افغانستان، با قوای تانک به تخریب مزارع کوکنار نمی پردازند و جامعه بین المللی همان طور که بارها وعده نموده است، دهقان افغان را کمک مالی و زراعتی نمی نماید؟ جواب داده شد که مشکل امحای مزارع کوکنار با گشت و گذار تانک های « ناتو» به همین آسانی نمیباشد، چون عده ای از مامورین عالیرتبه و برخی از اعضای پارلمان افغانستان حامی و شریک در معاملات مواد مخدره هستند که مانع چنین عملیاتی میگردند.

ملل متحد هر سال راپوری را از جنایتکاران جنگی و ناقضان حقوق بشر منتشر نموده و به رئیس جمهور افغانستان تقدیم مینماید و بازخواست و محاکمه آنان را از وی تقاضا مینماید. ولی کوچکترین اقدامی بخاطر این درخواست صورت نمیگیرد. نتیجتاً، صلح و امنیت با موجودیت این گروه هرگز برای مردم افغانستان میسر نگردیده و کبوتر صلح را مجال پرواز بر افغانستان نمیدهد.

این بود گزارش کانفرانس صلح در واشنگتن. دیشب تلوزیون ملی از کابل راپور يك کانفرانس دیگری را بنام "کانفرانس صلح دوامدار؟؟" به نشر سپرد که در آن احمد ضیاء مسعود، معاون ریاست جمهوری، عده زیادی از مامورین ملکی، اعضای تدریسی پوهنتون و بعضی از نمایندگان ولسی جرگه شرکت نموده بودند و در مورد امنیت و صلح «!» در افغانستان بیانه ها صادر مینمودند ... گویا همه و همه در جست و جو و آرزوی يك صلح پایدار در افغانستان جنگ زده ویران میباشند، ولی و اما و مگر، نا ممکن را میشود امکان پذیر ساخت؟؟ با موجودیت جنگ سالاران که قدرتمندان حقیقی آن آب و خاک هستند و هیچ گاهی اقدامی برای بازخواست و پی گیری اعمال نا روای آنان صورت نمیگیرد، میشود از امنیت سخن گفت؟؟ آیا با فعالیت های مافیای داخلی و خارجی، قریه ها و دهات اهالی بیگناه افغان را میتوان آماده باز سازی و امن و امان ساخت؟؟ مگر تا دست جواسیس همسایگان غدار و منافع آن ممالک بر مقدرات مردم بی گناه افغان به اشکال تفرقه های قومی، مذهبی، لسانی و غیره فعال است، میشود حتی به فکر صلح و سلم

در افغانستان افتاد؟؟ آیا آرزوی اینکه این مگرها و اگرها دست از سر ملت مظلوم افغان بردارد و کبوتر صلح پایدار در فضای تاریک و جنگ زده سرزمین مابه پرواز در آید، هنوز فرصتی هست؟؟ امید داریم ملت مظلوم افغان چنان روزی را به چشم ببیند و رؤیای دوردست صلح برای مردم جنگ دیده ما جامعه عمل بپوشد. به امید آنروز!!

نوت :

* کتاب "قدمهای آشتی و مسولیت ما افغانها". گرد آورنده : خانم نسرين ابوبکر گروس، چاپ اضلاع متحده امریکا، سال ۲۰۰۰